

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
پیشگفتار.....	۱۷

فصل نخست

دیپلماسی عمومی: تعاریف، ضرورت‌ها و ابزارها.....	۲۱
۱-دیپلماسی عمومی.....	۲۳
۱-۱-دیپلماسی.....	۲۳
۲-۱-معنایابی دیپلماسی عمومی.....	۲۷
۳-۱-اهمیت دیپلماسی عمومی.....	۲۹
۴-۱-ابزارهای دیپلماسی عمومی.....	۳۰

فصل دوم

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی: اهمیت منطقه و ابزارهای ایران.....	۴۱
۱-تاریخچه روابط ایران و آسیای مرکزی.....	۴۳
۲-اهمیت آسیای مرکزی برای ایران پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.....	۴۶
۲-۱-اهمیت ژئواکونومیک.....	۴۶
۲-۲-اهمیت ژئوپلیتیک.....	۴۷
۲-۳-اهمیت ژئوکالچر.....	۵۰
۳-دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و ابزارهای آن.....	۵۰
۳-۱-رسانه.....	۵۳
۳-۲-برندملی.....	۵۶
۳-۳-بازیگران دولتی و غیردولتی.....	۶۰
۳-۴-تبادلات علمی و فرهنگی.....	۶۲

۶۵	۳-۵. انتشار کتب.....
۶۶	۳-۶. زبان.....
۶۸	۳-۷. اقتصاد.....
۷۱	۳-۸. مذهب.....
۷۳	۴. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی.....
۷۴	۴-۱. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان.....
۸۳	۴-۲. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان.....
۹۶	۴-۳. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قرقیزستان.....
۱۰۵	۴-۴. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قزاقستان.....
۱۱۲	۴-۵. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان.....

فصل سوم

دیپلماسی عمومی عربستان سعودی در آسیای مرکزی؛ اهمیت منطقه و ابزارهای

۱۱۹	عربستان.....
۱۲۱	۱. تاریخچه روابط عربستان سعودی با آسیای مرکزی.....
۱۲۳	۲. اهمیت آسیای مرکزی برای عربستان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی.....
۱۲۳	۲-۱. اهمیت ژئواکونومیک.....
۱۲۴	۲-۲. اهمیت ژئوپلیتیک.....
۱۲۵	۲-۳. اهمیت ژئوکالچر.....
۱۲۶	۳. دیپلماسی عمومی عربستان سعودی و ابزارهای آن.....
۱۲۸	۳-۱. رسانه.....
۱۳۰	۳-۲. برندملی.....
۱۳۲	۳-۳. بازیگران دولتی و غیردولتی.....
۱۳۵	۳-۴. تبادلات علمی و فرهنگی.....
۱۳۶	۳-۵. انتشار کتب.....
۱۳۶	۳-۶. زبان.....
۱۳۷	۳-۷. اقتصاد.....
۱۳۸	۳-۸. مذهب.....
۱۳۹	۴. دیپلماسی عمومی عربستان سعودی در آسیای مرکزی.....
۱۴۰	۴-۱. دیپلماسی عربستان سعودی در ترکمنستان.....

۱۴۴.....	۲-۴. دیپلماسی عربستان سعودی در تاجیکستان.....
۱۴۸.....	۳-۴. دیپلماسی عربستان سعودی در قزاقستان.....
۱۵۳.....	۴-۴. دیپلماسی عربستان سعودی در قرقیزستان.....
۱۵۸.....	۵-۴. دیپلماسی عربستان سعودی در ازبکستان.....

فصل چهارم

۱۶۵.....	مقایسه دیپلماسی عمومی دو کشور و ارائه راهکارهایی برای ایران.....
۱۸۱.....	فهرست منابع.....
۲۱۱.....	منابع انگلیسی.....

avabook.com

avabook.com

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۱: ابزارهای دیپلماسی عمومی مورد استفاده در سیاست خارجی..... ۳۱
- نمودار ۲-۱: تعامل دیپلماسی عمومی و برند ملی برگرفته از Szondi, 2008: 14-15..... ۳۴
- نقشه شماره ۱: منطقه هارتلند (Article of the Geographical Pivot of)
.....(History, P 429) ۴۸
- نمودار ۱-۲: نمودار آمار صادرات ایران به ۱۰ کشور اول در هفت ماه ابتدای سال ۱۳۹۴..... ۶۹
- نمودار ۲-۲: نمودار آمار واردات ایران از ۱۰ کشور اول در هفت ماه ابتدای سال ۱۳۹۴..... ۶۹
- نمودار ۳-۲: درصد جمعیت مسلمانان ترکمنستان..... ۸۳
- نمودار ۴-۲: درصد جمعیت مسلمانان تاجیکستان..... ۹۶
- نمودار ۵-۲: درصد جمعیت مسلمان قرقیزستان..... ۱۰۵
- نمودار ۶-۲: درصد جمعیت مسلمانان قزاقستان..... ۱۱۲
- نمودار ۷-۲: درصد جمعیت مسلمانان ازبکستان..... ۱۱۸

avabook.com

فهرست جداول

- جدول ۱-۱: تفاوت دیپلماسی سنتی و دیپلماسی عمومی..... ۳۵
- جدول ۱-۲: بزرگترین جمعیت مسلمانان در کشورهای آسیایی..... ۷۲
- جدول ۲-۲: میزان صادرات سه برند پسته، زعفران و فرش ایران در سال ۹۴ به ترکمنستان ۷۶
- جدول ۳-۲: میزان صادرات سه برند پسته، زعفران و فرش ایران در سال ۹۴ به تاجیکستان ۸۵
- جدول ۴-۲: میزان صادرات سه برند پسته، زعفران و فرش ایران در سال ۹۴ به قرقیزستان ۹۸
- جدول ۵-۲: میزان صادرات سه برند پسته، زعفران و فرش ایران در سال ۹۴ به قزاقستان ۱۰۶
- جدول ۶-۲: میزان صادرات سه برند پسته، زعفران و فرش ایران در سال ۹۴ به ازبکستان ۱۱۴
- جدول ۱-۳: کشورهایی که دارای بیشترین زائر حج در سال ۲۰۱۴ بودند..... ۱۳۲
- جدول ۱-۴: درصد جمعیت مسلمان و شیعه در کشورهای منطقه، ایران و عربستان ۱۶۹

avabook.com

مقدمه

از دهه ۱۹۸۰ به بعد شاهد اهمیت یافتن عنصر فرهنگ در ادبیات روابط بین‌الملل بوده‌ایم. ظهور رویکردهایی مانند نظریات انتقادی، پست‌مدرن و سازه‌نگاری دلیلی بر این مدعاست. از طرفی با گذار از جهانی که در آن، ارتباطات تنها میان نخبگانی مانند دیپلمات‌ها بود که ارتباطی ایستا و سستی را با هم برقرار می‌کردند؛ به جهانی که ارتباطات فرهنگی بین مردم در مقیاسی بسیار وسیع‌تر برقرار شده و مردم بر سیاست‌های جهان تأثیرگذار شده‌اند وارد شده‌ایم. در چنین وضعیتی، به نسبت نقش دولت‌های ملی در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی کاهش یافته و اثرگذاری بیشتر بازیگران غیر دولتی را شاهد هستیم، به علاوه اینکه مبادلات فرهنگی میان ملت‌ها بسیار زیاد شده و اثر فراوانی بر جای گذاشته است. این عوامل اثرات مستقیم دیپلماسی عمومی را افزایش داده و توجه عمده کشورهای جهان، به خصوص قدرت‌های بزرگ را به فرهنگ و روابط با مردم به عنوان حوزه‌ای جدا در سیاست خارجی خود جلب کرده و از این زمان است که اصطلاحاتی چون قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی در ادبیات روابط بین‌الملل پررنگ‌تر شده است.

دیپلماسی عمومی تلاش یک دولت برای برقراری ارتباط با عموم یک جامعه دیگر تلقی می‌شود که طی این تلاش، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها، سیاست‌ها و عقاید جامعه آن دولت برای جامعه دیگر توضیح داده می‌شود و بدین ترتیب، رابطه، وجهه و شهرت خود را در آن کشور ترسیم می‌کند و بهبود می‌بخشد. دیپلماسی عمومی به عنوان یک عمل سیاسی تلاش می‌کند با ایجاد یک رابطه بلندمدت با مردم کشور هدف و ارائه تصویری مطلوب از خود، محیطی فعال را در حمایت از اهداف سیاست خارجی‌اش فراهم کند. با این تعریف از دیپلماسی عمومی مشخص می‌شود که یکی از اهداف مهم دیپلماسی عمومی و فعالیت‌های فرهنگی ایجاد جذابیت و مقبولیت از کشور حامی در کشور هدف می‌باشد. به این ترتیب می‌توان گفت دیپلماسی عمومی بخشی از ابزار اعمال قدرت نرم است و باید توجه داشت که دیپلماسی عمومی نمی‌تواند جایگزین سایر ابزارهای تأمین اهداف و منافع ملی شود و در واقع مکمل و کاتالیزوری برای رسیدن به آنهاست.

تحولات نوین در فضای بین‌الملل که از آن با جهانی شدن یاد می‌شود نه تنها در شیوه‌های دیپلماسی سنتی تغییرات آشکاری را ایجاد کرده است بلکه موجب شده تا در مفهوم دیپلماسی عمومی و شیوه‌های اجرایی آن به عنوان یک پدیده متناسب با این عصر نیز تحولات شگرفی رخ

دهد. توجه به، به‌کارگیری بیش از پیش ابزارهای نوین برای برقراری ارتباط با ملت‌های دیگر، فاصله گرفتن دیپلماسی عمومی از مفهوم تبلیغات و اطلاع‌رسانی و گرایش به سوی مفاهیم جدیدی که پیوند عمیقی بین اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی دارند، تلاش برای برقراری ارتباطات عمیق‌تر و متقارن‌تر با مخاطبان دیپلماسی عمومی و به‌طور کلی تغییر نگاه و ذهنیت مخاطبان دیپلماسی عمومی در لایه‌ای عمیق‌تر از دیپلماسی عمومی سنتی از مشخصه‌های دیپلماسی عمومی نوین است. از سویی فرهنگ به عنوان مهم‌ترین وجه در پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده و توجه به ملت‌ها در سیاست خارجی بسیار مد نظر رهبران انقلاب اسلامی از جمله امام خمینی (ره) بوده است، لذا دیپلماسی عمومی به دلیل آنکه مردم را مورد هدف و مخاطب خود قرار می‌دهد و به ارائه ارزش‌ها و فرهنگ توجه خاصی دارد می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران بسیار کاربردی و با اهمیت باشد. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رویکرد فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متأثر از دو منبع مذهب شیعی و تمدن کهن ایرانی می‌باشد. همان‌گونه که در مباحث قدرت نرم مطرح می‌شود وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهان‌شمولی را شامل شود و بنیاد سیاست‌های آن را ارزش‌های جهانی شکل دهد احتمال دستیابی به مطلوب برای آن کشور افزایش می‌یابد. قابل درک است که جمهوری اسلامی ایران از این حیث دارای ظرفیت‌های فراوانی برای استفاده از دیپلماسی عمومی و فعالیت‌های فرهنگی در تأمین اهداف و منافع ملی تعریف شده خود، به‌خصوص در قالب همکاری و تعامل با کشورهای حوزه تمدنی ایران از جمله کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد.

کتاب حاضر که با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای به رشته تحریر درآمده تلاشی درخور، در زمینه اهداف مذکور است. نویسنده با دقت نظر علمی ضمن بررسی ابعاد مفهومی دیپلماسی عمومی، به بررسی ابعاد، زمینه‌ها، ابزارها و اهداف دیپلماسی عمومی ایران و عربستان در آسیای مرکزی پرداخته و الزامات و راهکارهایی را برای تقویت دیپلماسی عمومی ایران ارائه کرده است. امید است که شاهد انتشار آثاری مشابه در راستای تقویت اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران باشیم.

بهاره سازمند

دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

بهمن ماه ۱۳۹۵

پیشگفتار

مشخصات نظام بین الملل کنونی مانند کم‌رنگ شدن مرزهای سنتی و درهم آمیختن فرهنگ‌ها، دولت‌ها را بر آن داشته است تا برای متقاعد کردن سایر کشورها و همراه کردن آنها در تحقق اهداف سیاست خارجی مورد نظرشان بیش از توسل به زور، به قدرت نرم و دیپلماسی عمومی توجه کنند. بنابراین اهمیت یافتن هر روزه‌ی دیپلماسی عمومی در جهان، بهترین وسیله بودن برای برقراری ارتباط میان کشورها و دارا بودن نوعی دیسپلین بین‌المللی باعث شد تا به این مبحث پرداخته شود که ایران چگونه می‌تواند از این ابزار برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی که در روزگاری جزئی از تمدن ایران باستان بوده‌اند استفاده کند؟ در این راستا تصمیم گرفته شد تا نحوه بکارگیری دیپلماسی عمومی ایران با سایر کشورهای جهان که به دنبال حضور گسترده در این منطقه بوده‌اند مورد مقایسه قرار گیرد و کشور انتخابی ما عربستان سعودی بوده است. به این دلیل که در طی یک سال و نیم بررسی و پژوهش ما در این زمینه و انجام مصاحبه‌های گوناگون با کارشناسان مسائل و مناطق مختلف از جمله کارشناسان عربی و آفریقایی و کارشناسان و رایزنان فرهنگی ایران در کشورهای آسیای مرکزی، به یقین می‌توان گفت که در مورد دیپلماسی عمومی عربستان در آسیای مرکزی تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته بود و منابع مکتوبی وجود نداشت که از جمله مشکلات ما در به سرانجام رساندن این موضوع بود. بنابراین پرداختن به این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار شد، شاید که بتواند به بهبود عملکرد ایران در این زمینه کمک ناچیزی کرده باشد.

در اینجا هدف، بررسی دیپلماسی عمومی کشورهای ایران و عربستان است تا مشخص شود هر کدام از این دو کشور با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی، چگونه آن را در منطقه آسیای مرکزی اعمال می‌کنند. ایران و عربستان از جمله کشورهایی هستند که بنا به اهمیتی که این منطقه برای آنها دارد به نحوی در صدد اعمال نفوذ خود و جلب افکار عمومی منطقه هستند. بنابراین در زیر مجموعه برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری‌های نوپای منطقه از دیپلماسی عمومی استفاده می‌کنند.

اهمیت نفوذ ایران در این منطقه به این دلیل است که از دیرباز و در زمان‌های گذشته جمهوری‌های آسیای مرکزی جزء فرهنگ و تمدن و سرزمین امپراتوری ایران بوده‌اند و اشتراکات بسیار فرهنگی و زبانی با یکدیگر داشته‌اند و حتی حکومت چند سده تزار روس و بعد از آن سلطه ۷۰ ساله کمونیسم شوروی بر جمهوری‌ها، نتوانسته است این کشورها را از فرهنگ و تمدن ایران دور کند و این باعث افزایش اهمیت منطقه برای ایران شده است. به همین منظور در سال‌های پس از فروپاشی برای همراه کردن دوباره این کشورها با خود از ابزارهای دیپلماسی عمومی استفاده کرده است.

کشور عربستان نیز به منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان منطقه‌ای مهم برای گسترش جریان‌های اسلام‌گرای افراطی نگاه می‌کند، تا با این کار ناامنی در منطقه را گسترش دهد و از حضور و نفوذ ایران در منطقه جلوگیری کند. نهادهای رسمی و غیررسمی عربستان نیز کوشیده‌اند تا با تبلیغ وهابیت در این مناطق، گستره نفوذ معنوی و دینی خود را با اعطای مشوق‌های مالی گسترش دهند. سلفیه و پیروان این فرقه، توسط عناصری از کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی حمایت می‌شوند و هدف نهایی آنان تسلط اعراب سعودی بر تمام جهان اسلام است که خود را داعیه‌دار جهان اسلام می‌دانند. سعودی‌ها در بعد فرهنگی و ایدئولوژیک، به‌طور گسترده سرمایه‌گذاری و فعالیت می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران در مورد علل پیدایش وهابیت در کشورهای مستقل مشترک المنافع، به نقش عربستان در حمایت و تأمین بودجه جنبش وهابیت اشاره می‌کنند که به قرار ذیل است: هزینه تعمیر و احداث مساجد، آموزش ابتدایی اسلام، اعزام دانشجویان به دانشکده‌های مذهبی خارجی، انتشار کتب اسلامی، آموزش زبان عربی، اعزام مسلمانان برای انجام دادن مراسم حج با هزینه عربستان.

براساس آنچه گفته شد برای پاسخگویی به این سؤال که «ایران و عربستان در آسیای مرکزی چگونه دیپلماسی عمومی خود را اعمال می‌کنند؟» در این نوشته مطالب را در ۴ فصل ذکر کرده‌ایم: فصل نخست تعریف مفاهیم است که به تعریف از واژه دیپلماسی عمومی، ضرورت به‌کارگیری آن در سیاست خارجی و ابزارهای آن برای اجرای سیاست خارجی پرداخته شده است. در فصل دوم نیز با اشاره به دلایل اهمیت منطقه آسیای مرکزی برای ایران، دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی

بررسی شده است که در ذیل آن دیپلماسی عمومی ایران و ابزارهایی که ایران برای اعمال این نوع از دیپلماسی در جهان استفاده می‌کند و به‌طور تخصصی‌تر به بیان ابزارهای دیپلماسی عمومی به کارگرفته شده توسط ایران در منطقه مورد نظر پرداخته شده است. در فصل سوم نیز به بیان دیپلماسی عمومی عربستان و ابزارهایی که برای اعمال این نوع از دیپلماسی در جهان استفاده می‌کند و به‌طور تخصصی به بیان ابزارهای دیپلماسی به کارگرفته شده توسط این کشور در منطقه مورد نظر پرداخته شده است. در نهایت در فصل چهارم به مقایسه دیپلماسی عمومی دو کشور در آسیای مرکزی پرداخته شده است و این نتیجه حاصل شده است که جمهوری اسلامی ایران با استفاده از گسترش زبان پارسی و نمادهای فرهنگی مانند نوروز و عربستان سعودی از طریق گسترش افکار سلفی، دیپلماسی عمومی خود را در منطقه دنبال می‌کند و در انتها برای توسعه و بهبود حضور ایران در این جمهوری‌ها از طریق استفاده از دیپلماسی عمومی راهکارهایی ارائه شده است.

در این راستا بر خود لازم می‌دانم تا ضمن سپاس فراوان از همراهی خانواده‌ام، از کمک‌ها و مساعدت‌های سرکار خانم دکتر بهاره سازمند دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر علیرضا کوهکن استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، جناب آقای دکتر علی آدمی استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، جناب آقای علی کبریایی‌زاده رایزن فرهنگی پیشین جمهوری اسلامی ایران در بیشکک قرقیزستان برای پیشبرد این اثر سپاسگزاری نموده و قدردان زحمات این اساتید گرانقدر باشم. همچنین باید ذکر کرد که با توجه به تمام تلاش‌هایی که برای گردآوری مطالب این اثر در قالب‌های مختلف کتابخانه‌ای، اینترنتی و مصاحبه با افراد متخصص و کارشناسان انجام شده است، خارج از اشکال و نقص نمی‌باشد. امید آن است که این اثر سرآغازی باشد برای ادامه و پیشبرد این حوزه از روابط بین‌الملل در جهت بهبود و ارتقای دیپلماسی عمومی ایران عزیز.

فرخنده نزاکتی

کارشناس ارشد مطالعات

منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز

فارغ‌التحصیل دانشگاه علامه طباطبایی

avabook.com

فصل نخست:

دیپلماسی عمومی: تعاریف، ضرورت‌ها و ابزارها

در دهکده‌ی جهانی مک لوهان، دیگر مرزهای فرهنگی میان کشورها معنایی ندارد و شروع عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات به این روند توسعه بخشیده است. کشورها از ابتدای تاریخ بدنبال تسلط و تصرف یکدیگر بوده‌اند و برای این کار از زور و قدرت نظامی خود بهره می‌گرفتند. اما رفته رفته روند تحت تأثیر قرار دادن کشورها در این دهکده جهانی تغییر کرد و از عوامل و ابزارهای ارزشی و هنجاری که غیرمادی محسوب می‌شوند استفاده شد. کشورها برای اینکه دیگر کشورها را همراه با خود کنند نیازمند شناخت فرهنگ و ارزش‌های آنها هستند و برای این کار می‌توانند از دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی خود استفاده کنند.

در این فصل به بررسی این مفهوم مهم در عرصه کنونی روابط بین‌الملل پرداخته شده است. برای برقراری ارتباط این روزها دولت‌ها از دیپلماسی عمومی استفاده می‌کنند که با شکستن دیوار برلین و پایان جنگ سرد از اهمیت خاصی در روابط بین‌الملل برخوردار شده است. ابزارهای مختلفی در این نوع از دیپلماسی که متفاوت از دیپلماسی سنتی است بکار برده می‌شود از جمله رسانه‌ها، اقتصاد، برندملی، مذهب، تبادلات علمی و فرهنگی و سایر ابزارهای مؤثر که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

۱. دیپلماسی عمومی^۱

۱-۱. دیپلماسی^۲

از نظر واقع‌گرایان دولت بازیگر اصلی نظام بین‌الملل شناخته شده است و آنها معتقدند آن چیزی که باعث انگیزه کنش دولت‌ها در این نظام می‌شود قدرت و منافع ملی است. رئالیست‌ها بر این باور هستند که اصولاً کنار گذاشتن حس قدرت‌طلبی از سوی دولت‌ها صرفاً یک آرزوی دست نیافتنی است. در اینجا منظور از قدرت به معنای رایج آن «تحت تأثیر قرار دادن و تغییر رفتار سایرین در زمینه‌ای دلخواه و یا توانایی برای مقاومت در برابر نفوذ دیگران است» (افتخاری، ۱۳۸۷: ۶۱).

قدرت از جمله مفاهیم سیاسی است که در عرصه سیاست کاربرد بسیار داشته است و از این واژه تعاریف مختلفی از سوی نظریه‌پردازان سیاسی صورت گرفته است. براساس تقسیم‌بندی‌های این نظریه‌پردازان از جمله معروف‌ترین آنها جوزف. اس. نای قدرت به دو نوع اصلی، سخت و نرم تقسیم می‌شود که مهم‌ترین بعد قدرت، بعد نرم‌افزاری آن است. هر کشور برای تحت تأثیر قرار دادن سایر کشورها و نفوذ در آنها نیازمند بکارگیری قدرت است، که بهتر است برای غلبه یافتن بر قلب‌ها و افکار از قدرت نرم^۳ استفاده کنند. در وسیع‌ترین معنا قدرت یک شخص دال بر توانایی‌اش برای ایجاد اثرات دلخواه بر جهان اطراف خود، به منظور تحقق بخشیدن به اهدافش در جهان است. در این معنای کلی قدرت یعنی توانایی، برای دستیابی به هدف‌ها، که به‌طور نامساوی توزیع می‌شود. بعضی از مردم در مقایسه با بعضی دیگر از قدرت بیشتری برخوردارند که باعث معنای آشناتری از قدرت می‌شود که قدرت نسبی است. توانایی نفوذ یا کنترل بر اعمال دیگران به منظور واداشتن آنها به انجام آنچه که می‌خواهیم انجام دهند و منع آنها از آنچه که نمی‌خواهیم انجام دهند (بیتنام، ۱۳۸۲: ۶۴-۶۳).

در ادوار گذشته، ارزیابی منابع قدرت بین‌المللی آسان‌تر بوده است. یکی از راه‌های سنتی پی بردن به قدرت برتر در سیاست‌های بین‌المللی «استعداد و توان جنگی»^۴ بود. این نوع از

¹ - Public Diplomacy

² - Diplomacy

³ - Soft Power

⁴ - Strength For War

قدرت با عنوان قدرت سخت^۱ در برگیرنده سخن ماکیاولی با شاهزادگان آلمانی بود که بیان کرد «اینکه مردم از شما بترسند مهم تر است از اینکه شما را دوست داشته باشند.» اما امروزه این سخن ماکیاولی که در برگیرنده قدرت سخت در روابط بین افراد و در سطح گسترده تر آن کشورها می شد نقض می شود و قدرت نرم با بکارگیری ابزاری مانند دیپلماسی جایگزین آن شده است. اما با گذشت قرن ها و توسعه فناوری ها، منابع استعداد و توان جنگی اغلب تغییر کرده است. برای مثال در اروپای قرن ۱۸، جمعیت یکی از منابع مهم قدرت به حساب می آمد، زیرا مبنایی برای دریافت مالیات و تجدید نیروی پیاده نظام بود (نای، ۱۳۸۷: ۴۱). قدرت نرم منابع فراوان دارد که یکی از بزرگ ترین منابع قدرت نرم ملت ها، موفقیت آشکار دولت _ کشورها به عنوان یک ملت است. به عقیده جوزف نای، وادار کردن معطوف به اجبار متکی بر فرمان با منابع الزام، تنبیه، تطمیع و رشوه طیف رفتاری و مهم ترین منابع قدرت سخت را تشکیل می دهند. این در حالی است که ملاحظاتی سازمانی و جاذبه متکی بر همکاری و فرهنگ با سه رویکرد ارزش ها و سیاست های طیف رفتارها و منابع قدرت نرم هستند. به طور کلی منابع قدرت نرم عبارتند از: ۱- فرهنگ یک کشور (بخش هایی از یک فرهنگ که برای دیگران جذابیت دارد) ۲- ارزش های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج از کشوری مورد توجه است) ۳- سیاست خارجی (در صورتیکه قانونی و مسئولانه به نظر برسد) (مطهرنیا، ۱۳۸۹: ۶-۵).

این نوع از قدرت به نیت ایجاد جذابیت برای خود یا تنظیم اولویت های طرف مقابل، به وسیله ابزارهایی مانند فرهنگ، انتقال ارزش ها، نهادهای اجتماعی و از طریق دیپلماسی و به طور تخصصی تر دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی های دوجانبه و چندجانبه اعمال می شود. در صورتیکه در محیط روابط بین الملل یک کنشگر بتواند دیگران را مجذوب دیدگاه های خود کند، او خواهد توانست میزان نیاز خود به منابع پرهزینه قدرت سخت و قدرت اقتصادی را به حداقل برساند. ایجاد جذابیت یکی از شاخصه های قدرت نرم است و دیگری توانایی تنظیم اولویت های دیگر کنشگران در عرصه سیاست بین الملل است (افتخاری، ۱۳۸۷: ۶۸).

^۱ - Hard power